فهرست مطالب:

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (عاملان و مأموران) 2

اشاره و مقدمه بحث: 2

قواعد تضاعف تکالیف 2

8. امر و نهی استیجاری 3

سؤال 3

پاسخ استاد: 3

اجرت بر مباح و اجرت بر واجب 4

9. امر و نهی ولایی 4

سؤال 5

پاسخ استاد 5

امر و نهی سازمانی 5

امر به معروف به لحاظ مأمور 5

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (عاملان و مأموران)

**اشاره و مقدمه بحث:**

در ادامه بحث از امر به معروف و نهی از منکر به روزنه‌های جدید و مهمی در فقه رسیدیم، قواعد مهم فقهی مطرح شد. به خاطر اهمیتش با اضافاتی تکرار می‌کنیم.

**قواعد تضاعف تکالیف**

قواعد عام فقهی برای تضاعف تکالیف عبارت‌اند از:

1. وظایفی که عموم مردم دارند، برای حاکم و مسئول حکومتی، مشدّد و مضاعف است یعنی خطاباتی دارد که نتیجه‌اش تأکّد تکلیف است.

2. وظایفی که عموم مردم دارند، برای عالم دین مشدّد و مضاعف است.

3. وظایفی که برای عموم مردم و افراد عادی است، برای ولی خانواده بلکه برای عضو خانواده مشدّد و مضاعف است.

4. وظایفی که عموم مردم دارند، برای کسانی که علاوه بر عالم بودن، معلم یا مبلغ هستند، مشدّد و مضاعف است. این قاعده هم ادله خاص دارد و جای تفصیل تفصیلی دارد.

5. وظایفی که عموم مردم دارند، برای کسانی که به دستگاه شرع و بزرگان دین منتسب هستند، مشدّد و مضاعف است. آیه «لستن کاحد ...» شاهد این قاعده است.

6. وظایفی که عموم مردم دارند، برای کسانی که در معرض الگوپذیری (فی معرض التأسّی و الاقتداء) هستند، مشدّد و مضاعف است.

7. وظایفی که عموم مردم دارند، برای آدم‌هایی که از جایگاه بالاتری علمی، اجتماعی یا مالی قرار دارند، مشدّد و مضاعف است. افراد نخبه، گروه‌های خاص ذیل این قاعده قرار می‌گیرند. این‌ها در مجموع هفت قاعده فقهی است.

سؤال این است که آیا وظایف اجتماعی را شامل می‌شود؟ یا شامل وظایف فردی می‌شود؟ همه افراد وظایف اجتماعی یا بعضی از افراد وظیفه دارند؟ دامنه وظایف چیست؟ قدر متیقن مسائلی است مانند امر به معروف و نهی از منکر. این در اوامر و نواهی، الزامی و غیر الزامی جای سؤال دارد.

امر و نهی الزامی و رجحانی قدر متقین و جاری است. البته این هفت قاعده و امر به معروف و نهی از منکر همگانی که در مجموع هشت قاعده می‌شود. در چند موردش دلیل خاص هم داشتیم علاوه بر ادله عامه، چند تا دلیل خاص دارد که امر به معروف و نهی از منکر تکلیف همگانی و برای این گروه‌های خاص مضاعف می‌شود. رابطه امر به معروف و نهی از منکر و قواعد ذکر شده، رابطه عام و خاص یا عموم و خصوص من وجه است. پس هشت قاعده داریم در امر به معروف و نهی از منکر به لحاظ عامه و خاصه. در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر هشت عنوان دارد.

**8. امر و نهی استیجاری**

عنوان دیگر در وظایف کلی که مأمور به امر به معروف و نهی از منکر است، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ضابط قوه قضائیه، مسئول اداره که امر به معروف و نهی از منکر به آن اداره سپرده شده است. این در مقابل امر به معروف و نهی از منکر فردی است، امر به معروف و نهی از منکر که اجر و مزدی در مقابل آن پرداخت می‌شود. اداره حسبه که در فقه عامه و خاصه آمده است از همین قبیل بوده است که کسانی از طرف حکومت موظف به وظایفی می‌شود. اداره تعزیرات حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر توسط مأموران حکومت در حکومت‌ها بوده است.

پس امر به معروف و نهی از منکر توسط مسئول یا مأمور اجرتی که داخل در حکومت نیست(زیرا فرد به عنوان مجموعه حکومت وظایف مؤکد دارد). هرکس که درجه‌ای از حکومت را داراست، نسبت به مسائل فرهنگی وظیفه دارد. ولی در اینجا منظور حیث اجیر شدن وی است زیرا امر به معروف و نهی از منکر به نیابت از دیگری انجام می‌دهد لذا هر کار که انجام می‌دهد از طرف دیگری است زیرا ممکن است فرد به لحاظ شخص خود، مأمور نباشد. امر به معروف و نهی از منکر بر اساس عقد و استیجار واجب است بر اساس «اوفوا بالعقود» باید به وظیفه خود عمل کنند.

**سؤال**

عنوان ثانوی است و ربطی به امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

**پاسخ استاد:**

اشکال ندارد، عنوان ثانوی بودن ضرری به استدلال ما نمی‌زند. امر به معروف و نهی از منکر به این لحاظ چند حالت دارد:

1ـ گاهی امر به معروف و نهی از منکر مورد امر قرار می‌گیرد با عنوان خودش؛

2ـ گاهی امر به معروف و نهی از منکر مورد امر قرار می‌گیرد با قواعد عامه؛

3ـ گاهی امر به معروف و نهی از منکر مورد امر قرار می‌گیرد با قواعد عامه که عنوان ثانوی است بر اساس «اوفوا بالعقود». شما که اجیر شدی و وقت خود را فروختی باید بر اساس ـ« به وظیفه خود عمل کنی. این بحث در مکاسب محرمه به صورت کامل باید بحث و بررسی شود.

**اجرت بر مباح و اجرت بر واجب**

مأمور حسبه یا نیروی انتظامی یا تعزیرات حکومتی یا ضابط قوه قضائیه و ... که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند ـ به عنوان اولی یا ثانوی ـ این دو صورت دارد:

1ـ اگر فرد با غمض عین از عنوان اجیر شدن، تکلیف نداشته باشد. در این صورت مکلف نبود، مثلاً قدرت نداشته باشد یا حرفش تأثیر نداشته باشد؛ وی با عنوان جدید مأمور است. تکلیفی که بر وی واجب نبوده و برای کار غیر واجب، اجیر شده است. یا کار مباح بوده و فرد اجیر شده است لذا تکلیف، واجب ثانوی می‌شود.

2ـ گاهی کاری مستحب یا واجب بوده و سپس فرد برای همان کار اجیر شده است. برای تفصیل بحث اجیر شدن بر واجبات به آخر مکاسب مراجعه کنید. اجرت بر واجب تعبدی، اجرت بر واجب توصلی، کفایی یا عینی و ... این بحث‌ها قبلاً مفصل بیان شد. اینجا واجب کفایی است، فرد اجیر شده و عمل وی منتسب به پول دهنده است و ثواب نیز مربوط او است. به نظر ما اجرت گرفتن و اجرت دادن اشکال ندارد و حدود ده راه حل برای تحلیل و تصحیح آن ذکر شد.

اگر فردی (لو خلی و نفسه)، مأمور بوده، آیا می‌تواند اجیر شود؟ آیا اجرت گرفتن، اکل مال به باطل نیست؟ غالب بزرگان تصحیح کرده‌اند، عمل صحیح است. تصویب در امر به معروف و نهی از منکر شدنی است. انجام فعل بالمباشره یا بالتسبیب شدنی است. اما اگر عمل مثل عبادات (نماز و روزه) قائم به فرد باشد، این نوع اجاره باطل و اجاره اکل مال به باطل می‌شود و در غیر آن استیجار جایز است.

**مثال مصداقی**: در مراتب امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه اضرار مالی و جانی به فاعل منکر نیاز به اذن حاکم دارد؛ این مراتب بالای امر و نهی که نیاز به اذن حاکم دارد، از طرف حکومت به افراد واگذار می‌شود.

**9. امر و نهی ولایی**

عنوان دیگر امر به معروف و نهی از منکر ولایی است. مثل اینکه فرد مأمور به این تکلیف نیست اما حاکم به عنوان امر حکومتی (بدون اجرت) دستور می‌دهد و امر به معروف و نهی از منکر واجب بر فرد لازم می‌شود.

در این عنوان بحث در این است که فرد تکلیف نداشته باشد، و یا اینکه شرایط را نداشته باشد و یا اینکه فرد نمی‌خواست به وظیفه‌اش عمل کند؛ اگر «ولی امر» دستور داد. سؤال اینجا است که آیا حاکم می‌تواند به غیر مکلف امر کند؟ یا تکلیف به غیر مکلف جایز است؟ جای بحث دارد.

پس اجیر شدن برای امر به معروف و نهی از منکر و مأمور حکومت شدن برای امر به معروف و نهی از منکر، شد عنوان نهم و دهم.

**سؤال**

اگر کسی تواناتر باشد، یا امر به معروف و نهی از منکر برایش کم‌ضرر تر باشد، آیا وظیفه بیشتر دارد؟

**پاسخ استاد**

بله. شرایط را عرض کردم. گاهی فرد شرایط را ندارد مثلاً امر و نهی وی اثر ندارد. مأمور شدن یا اجیر شدن موجب تحقق شرط می‌شود مثلاً گفتارش تأثیر می‌کند. مأمور نیروی انتظامی و امثالش قبل از استخدام احتمال تأثیر نداشت، ولی بعد از استخدام واجب می‌شود. لذا تکلیف مشدد می‌شود.

**امر و نهی سازمانی**

آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه انفرادی است و سازمانی؟ آیا حکومت وظیفه دارد سازمان یا وزارت تشکیل دهد؟ آیا مردم وظیفه دارند، مؤسسه، سازمان مردم‌نهاد و ngo تأسیس کنند؟. این بحث در آینده بحث می‌شود.

**امر به معروف به لحاظ مأمور**

حکومت به لحاظ مخاطب و اینکه: حاکمان را امر و نهی کردن، عالمان را امر و نهی کردن و هکذا خانواده آیا تخفیف در تکلیف دارد یا تضاعف تکلیف؟ انشاءالله فردا.